

غسل مسّ عضو مبّان

علی شریف*

چکیده

یکی از مقدمات مناسک عبادی اسلام، غسل است که در شرائط خاصی بر مکلف واجب می‌شود. مسّ میّت در شریعت اسلام به اتفاق آرای فقها، یکی از عوامل موجب حدث است که با توجه به ظهور روایات، برای اتیان فریضه نماز، طواف و برخی اعمال، واجب شده است و در نتیجه وجوب لغیره دارد نه لنفسه. گرچه در اینکه آیا موجب حدث اکبر می‌شود یا صرف الحدث اختلاف نظر وجود دارد.

البته این حکم بر طبق نظر اکثر فقها، در مواردی مانند مسّ شهید استثناء شده است. همه فقها اتفاق نظر دارند که مسّ عضو مبّان اگر مشتمل بر لحم و عظم باشد، مشمول حکم وجوب غسل می‌شود ولی اگر لحم مجرد باشد این حکم را ندارد. و در مورد عظم مجرد، اختلاف نظر وجود دارد که نظر برخی، لزوم غسل در این مورد است. در این مقاله، غسل مسّ عضو مبّان از شخص حیّ و میّت، با دسته بندی کلمات فقهاء و ادله آن‌ها به همراه بررسی رجالی روایات آن آورده شده است.

واژه‌گان کلیدی:

غسل، مسّ، عضو مبّان، میّت.



مقدمه

خداوند متعال توجه خاصی به مسأله عبادت دارد و برای آن مناسک خاصی قرار داده و برای این مناسک مقدماتی را مقرر فرموده است. از جمله این مقدمات، طهارت از حدث و خبث است.

غسل مسّ میت یکی از اسباب حدث محسوب می‌شود که خداوند به جهت نماز و روزه و ... آن را واجب نموده است.

از آنجا که در برخی حوادث روزمره، مانند برخی تصادفات رانندگی، و عمل‌های جراحی قطع و پیوند عضو مانند پوست و انگشت و کورتاژ جنین، و اقامه حدود مانند حد سرقت، و حیوان دریدگی‌ها، عضوی از بدن جدا می‌شود، ضروری به نظر می‌رسد که حکم مسّ آن در اسلام بررسی شود.

فقه‌های شیعه از صدر اسلام در کتب روایی و فقهی خود باب خاصی را درباره غسل مسّ میت باز نموده‌اند. با بررسی کلمات ایشان در باب غسل مسّ میت به دست می‌آید که قریب به اتفاق آن‌ها به دلیل صراحت روایات این باب و نیز شهرت و اجماع، معتقدند: در اثر مسّ میتی که در محدوده زمانی برودت میت تا پایان اغسال سه گانه قرار دارد، این غسل واجب می‌شود و تنها سید مرتضی قائل به استحباب این غسل است. البته اکثر فقها با تمسک به ظهور روایات باب، بدن شهید را استثنا کرده‌اند.

در این مقاله سعی بر آن است که با دقت در روایات اهل بیت علیهم السلام و کلمات شاگردان ایشان به نظر شارع مقدس در مورد حکم مسّ عضو مبان، دسترسی پیدا کنیم.



بخش اول: آیا لمس عضو جداشده از انسان میّت یا حیّ غسل آور است؟

دیدگاه فقها

در بین کلمات فقها اقوال مختلفی به چشم می‌خورد: برخی ادعای اجماع بر مساله کرده‌اند، و برخی مدعی شهرت در مساله هستند، و برخی آن را به اکثر فقها نسبت داده‌اند، و برخی تنها فتوا به وجوب غسل داده‌اند، و برخی نیز مانند علامه حلی رحمته الله در معتبر منکر وجوب شده و توقف و یا به استحباب بسنده کرده‌اند؛^۲ برخی نیز مانند ابن جنید حکم را مقید تا یک سال کرده‌اند.

شیخ طوسی رحمته الله در خلاف می‌گوید:

«در صورت لمس عضو جداشده از انسان میّت و نیز از انسان زنده، اجماع

فرقه و طریقه احتیاط بر وجوب غسل مسّ میّت است.»^۳

مرحوم محقق کرکی رحمته الله در جامع المقاصد می‌فرماید:

«مشهور فقها به این حکم قائل‌اند.»^۴

شهید ثانی رحمته الله در ذکری معتقد است اکثر فقها به این حکم قائل‌اند.^۵

شهید ثانی رحمته الله در لمعه می‌گوید:

«جزء جداشده از میّت و نیز جزء جداشده از انسان زنده در حکم میّت است.»^۶

علامه حلی رحمته الله در معتبر می‌گوید:

«نظر من در مورد این مساله توقف است و یا اینکه به جهت عدم مخالفت با

۲. محقق حلی، *المعتبر فی شرح المختصر*، ج ۱، ص ۳۵۳

۳. شیخ طوسی، *الخلاف*، ج ۱، ص ۷۰۱، مسألة ۴۹۰

۴. محقق کرکی، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، ج ۱، ص ۴۵۹

۵. شهید اول، *ذکری الشیعة فی أحكام الشریعة*، ج ۲، ص ۹۶

۶. شهید ثانی، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کالانتر)*، ج ۱، ص ۳۹۸



شیخ و روایت وارده قائل به استحباب شوم.^۷

علامه حلی^۸ در مختلف می گوید:

«مرحوم ابن جنید قائل است: غسل مسّ قطعه مبان از انسان زنده که دارای

استخوان باشد، تا مدت یک سال از جداسدن قطعه، واجب است.»^۸

ادله فقها

دلیل اول: اجماع

شیخ طوسی^۹ در خلاف می فرماید:

«دلیل ما بر مساله وجوب غسل مسّ میت عضو جدا شده از انسان میت یا حی،

اجماع طائفه و طریق احتیاط است.»^۹

مرحوم مقدس اردبیلی^{۱۰} نیز در مجمع الفائدة و البرهان می فرماید:

«عمده دلیل بر وجوب غسل مسّ قطعه جدا شده از انسان، اجماع است.»^{۱۰}

و علامه حلی^{۱۱} در مختلف معتقدند:

«کسانی از اصحاب ما که غسل مسّ میت را واجب می دانند، قائل اند که مسّ

قطعه آن نیز غسل واجب دارد.»^{۱۱}

اشکال

اشکال کبروی: اشکال کبروی اجماع را که در بخش دوم گفتیم بر این جا نیز وارد

است.

۷. محقق حلی، المعتمد فی شرح المختصر، ج ۱، ص ۳۵۳

۸. علامه حلی، مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه، ج ۱، ص ۳۱۵

۹. شیخ طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۷۰۱، مسأله ۴۹۰

۱۰. مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ج ۱، ص ۲۱۲

۱۱. علامه حلی، مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه، ج ۱، ص ۳۱۴



اشکال صغروی: مرحوم علامه حلی رحمته الله در معتبر به اجماع شیخ رحمته الله اشکال می‌کند و می‌گوید:

«با وجود مخالفت سید مرتضی که قائل به استحباب است چطور می‌توان ادعای اجماع کرد.»^{۱۲}

دلیل دوم: سنت

مرفوعه ایوب بن نوح از امام صادق علیه السلام:

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا قُطِعَ مِنَ الرَّجُلِ قِطْعَةٌ فَهُوَ مَيِّتٌ وَإِذَا مَسَّهُ الرَّجُلُ فَكُلُّ مَا كَانَ فِيهِ عَظْمٌ فَقَدْ وَجَبَ عَلَى مَنْ مَسَّهُ الْغُسْلُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ عَظْمٌ فَلَا غُسْلَ عَلَيْهِ.»^{۱۳}

امام صادق علیه السلام فرمودند: «اگر قطعه ای از بدن انسان جدا شود، میت است. و در صورت تماس با هر قسمت استخوان دار، غسل بر گردن انسان می‌آید، به خلاف قسمتی که استخوان ندارد.»

در دو جهت باید بحث شود: سند و دلالت.

جهت اول: بررسی سند

این روایت در کتاب‌های کافی، تهذیب و استبصار به صورت مرفوعه از امام صادق علیه السلام نقل شده است. طریق مرحوم کلینی رحمته الله تا ایوب بن نوح رحمته الله صحیح است و خود ایوب نیز توسط شیخ طوسی رحمته الله و مرحوم نجاشی رحمته الله توثیق شده^{۱۴}؛ اما از

۱۲. محقق حلی، المعتمد فی شرح المختصر، ج ۱، ص ۳۵۳

۱۳. کلینی، الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص ۲۱۲، ح ۴

۱۴. شیخ طوسی، فهرست الطوسی، ص ۴۳؛ ثقة، شیخ طوسی، رجال الطوسی، ص ۳۵۲؛ ثقة، نجاشی، رجال النجاشی، ص ۱۰۲: کان وکیلاً لأبی الحسن و أبی محمد علیهما السلام عظیم المنزلة عندهما مأمونا و کان شدید الورع کثیر العبادة ثقة فی روایاته.



ایوب تا امام علیه السلام مقطوع و مرسل است و راویان آن ذکر نشده‌اند. در نتیجه سند غیر معتبر است.

تنها راه اخذ به مضمون روایت شهرت عمل اصحاب به این حدیث است؛ اگر این راه ثابت شود، باعث جبران ضعف سند روایت خواهد بود و آن را معتبر می‌کند؛ لذا باید این راه را بررسی نمود.

مرحوم سبزواری رحمته در مذهب ادعا می‌کند که اطباق عمل بر طبق روایت داریم.^{۱۵}

و محقق کرکی رحمته در جامع المقاصد می‌فرماید:
«ضعف سند حدیث که به جهت ارسال به وجود آمده است با شهرت جبران می‌شود.»^{۱۶}

اشکال

گرچه از نظر کبروی، شهرت قوی قدمای اصحاب، جابر ضعف سند است اما از جهت صغروی تحصیل این شهرت ناممکن است، زیرا اکثر کتب قدما الان موجود نیست و ما به فتاوی ایشان دسترسی نداریم و تنها تعداد اندکی از کتب قدما مانند مرحوم کلینی رحمته و شیخ مفید رحمته و شیخ صدوق رحمته و سید مرتضی رحمته و شیخ طوسی رحمته و ... در دست ماست، اما کتب و فتاوی شاگردان فراوان ایشان که در هر نقطه پراکنده شده بودند و نیز باقی علمای هم‌تراز ایشان، در دسترس ما نیست.

دلالت

دلالت حدیث بر مطلوب واضح بوده و هیچ احتمال خطایی در آن نمی‌رود.

۱۵. سید عبد الاعلی سبزواری، مذهب الأحکام، ج ۳، ص ۳۳۳

۱۶. محقق کرکی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۱، ص ۴۵۹



دلیل سوم: اطلاق دلیل غسل مسّ میت

بیان استدلال: مرحوم علامه حلی رحمته الله در منتهی می گوید:

«از آن جا که قطعه‌ای از بدن میت بعضی از او محسوب می شود، دلیل وجوب غسل مسّ میت شامل آن قطعه می شود، علاوه بر این که مقصود از مسّ میت، مسّ کل بدن او نیست و عنوان بر مسّ جزئی از بدن او هم صادق است. در نتیجه دلیل وجوب غسل مسّ میت شامل این فرد می شود، البته با توجه به اینکه انفصال از بدن حکم آن را تغییر نمی دهد.»^{۱۷}

تکمله استدلال: شهید اول رحمته الله در ذکری می فرماید:

«این قطعه، بعضی از انسان محسوب می شود، پس دلیل غسل مسّ میت شامل آن می شود. وقتی این قطعه متصل به بدن انسان بود، غسل مسّ میت داشت، حال چه چیزی وجوب غسلش را در فرض انفصال، برداشته است؟ در حالی که دلیلی بر استثناء نداریم (یعنی استصحاب می کنیم). ثانیاً اگر بنا باشد که با انفصال غسل واجب نباشد دیگر انسانی که تکه تکه شده است غسل ندارد.»^{۱۸}

بخش دوم: فروع مساله

فرع اول: آیا فرقی بین قطعه مبان از حی و میت هست؟

دیدگاه اول: منکرین فرق

در مبحث اقوال اشاره شد، کلمات اکثر فقها صریح است در اینکه بین قطعه جداشده از انسان زنده و مرده، فرقی نیست.

۱۷. علامه حلی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۲، ص ۴۵۸

۱۸. شهید اول، ذکری الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۲، ص ۹۷



ادله

دلیل اول: اجماع

گذشت که مرحوم شیخ رحمته الله در خلاف ادعای اجماع بر مساله نموده است و معتقد اجماع اعم از حی و میّت است.^{۱۹}

دلیل دوم: سنت

مرفوعه ایوب بن نوح رحمته الله از امام صادق علیه السلام:

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا قُطِعَ مِنَ الرَّجُلِ قِطْعَةٌ فَهُوَ مَيِّتٌ وَإِذَا مَسَّهُ الرَّجُلُ فَكُلُّ مَا كَانَ فِيهِ عَظْمٌ فَقَدْ وَجَبَ عَلَى مَنْ مَسَّهُ الْغُسْلُ وَآن لَمْ يَكُنْ فِيهِ عَظْمٌ فَلَا غُسْلَ عَلَيْهِ.»^{۲۰}

امام صادق علیه السلام فرمودند: «اگر قطعه ای از بدن انسان جدا شود، میته است و در صورت تماس با هر قسمت استخوان دار، غسل بر گردن انسان می آید، به خلاف قسمتی که استخوان ندارد.»

این روایت عام است (لفظ الرجل) یا به گفته مرحوم سبزواری رحمته الله ظهور در قطعه از انسان حی دارد (الرجل) و در نتیجه به طریق اولی بر قطعه مبان از میّت دلالت دارد. زیرا وقتی انسان حی ای که مسّ خودش نیاز به غسل ندارد در صورت مسّ قطعه مبان غسل بر انسان واجب شود در انسان میّتی که مسّ خودش نیاز به غسل دارد به طریق اولی در مورد قطعه مبان غسل لازم است.^{۲۱}

دیدگاه دوم: مثبتین فرق

مرحوم مقدس اردبیلی رحمته الله می گوید:

۱۹. شیخ طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۷۰۱، مسأله ۴۹۰

۲۰. کلینی، الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۳، ص ۲۱۲، ح ۴

۲۱. سید عبد الاعلی سبزواری، مهذب الأحكام، ج ۳، ص ۳۳۳



«از شیخ منقول است که حکم وجوب غسل در قطعه مبان از میّت ثابت است و در مورد مبان از حی ادعای اجماع نشده و از طرفی گرچه روایت ابن ابی یعفور عام است الا اینکه سندش ضعیف است و نیز به این قطعه مبان از حیّ، میّت نمی‌گویند تا داخل در روایات مسّ میّت شود گرچه لغۀ به آن میّت می‌گویند، پس در فرض شک سراغ برائت می‌رویم و نفی وجوب می‌کنیم.»^{۲۲}

اشکال: اگر بنا باشد به اجماع عمل کنیم همانطور که گذشت اجماع‌های مطلق داریم که شامل مبان از حی و میّت می‌شود مانند اجماع شیخ در خلاف و اگر بنا باشد به اجماع عمل نکنیم و سراغ روایت رویم روایت ضعیف‌السند است و هیچکدام را اثبات نمی‌کند. مگر اینکه نه روایت و نه اجماع را حجت ندانیم و سراغ عموم ادله غسل مسّ میّت رویم، که در این صورت باید ثابت کنیم که بر قطعه مبان عنوان میّت صادق است کما این که دلیل برخی همین بود. در این صورت اگر عرفاً و لغۀ به قطعه مبان از حی، میّت گویند مطلوب ثابت است و الا نه.

اما در مورد قطعه مبان از میّت احتمال صدق میّت بیشتر است، کما اینکه محقق رحمته و شهید اول رحمته با همین بیان بر وجوب غسل استدلال کرده‌اند.

فرع دوم: آیا فرقی بین مضمی یک سال از انفصال قطعه و عدم آن هست؟

علامه رحمته در مختلف فرموده است:

«مرحوم ابن جنید قائل است: مسّ قطعه مبان از انسان زنده که دارای استخوان



باشد، تا مدت یک سال از جداشدنش، موجب غسل می‌شود.»^{۲۳}

دلیل

مرحوم علامه در منتهی ابتدا روایت اسماعیل جعفری را در این باب نقل می‌کند که از امام صادق علیه السلام راجع به مسّ استخوان میّت سوال می‌کند و حضرت می‌فرمایند:

«اگر یک سال از آن گذشته باشد اشکال ندارد.»^{۲۴}

سپس علامه به این روایت اشکال می‌کند که در تقیید آن به یک سال نظر و تامل است. ولی در ادامه در دفاع از قید می‌گوید:

«ممکن است این قید به خاطر این باشد که استخوان از اتصال به اجزای بدن میّت خالی نیست و این اجزا در صورت خشک بودن نیز منجس‌اند اما بعد از گذشت یک سال این اجزا منجس از بین می‌رود و تنها استخوان باقی مانده که پاک است مگر از حیوان نجس العین.»^{۲۵}

اشکالات:

اولاً: در روایت سوال از استخوان است نه قطعه دارای استخوان که مورد فتوای ابن جنید بود.
ثانیاً: در روایت سوال از استخوان میّت است اما در کلام ابن جنید بحث قطعه مبان از حی است.

۲۳. علامه حلی، مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، ج ۱، ص ۳۱۵

۲۴. شیخ صدوق، تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۲۷۷: مَا رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الْوَهَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ مَسِّ عَظْمِ الْمَيِّتِ قَالَ إِذَا جَاَزَ سَنَةً فَلَيْسَ بِهِ بَأْسٌ.
طریق شیخ طوسی به محمد معتبر است و روات حدیث نیز ثقه اند، پس روایت معتبره است.

۲۵. علامه حلی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب؛ ج ۳، ص ۲۰۴



ثالثاً: فتوای ابن جنید در مورد وجوب غسل مسّ میّت، در فرض مذکور است اما ظاهر روایت و کلام علامه در مورد حکم نجاست و طهارت این استخوان است. رابعاً: محقق سبزواری می‌فرماید:

«قصور سند و اعراض اصحاب از روایت جعفری آن را از اعتبار ساقط می‌کند، گرچه احتیاط در عدم مخالفت با آن است»^{۲۶}

جواب:

اولاً سند روایت صحیح است. ثانیاً اعراض مشهور اصحاب باید ثابت شود حال آن که فتوای بسیاری از اصحاب در دست ما نیست. ثالثاً اگر صغریاً عدم عمل اصحاب ثابت شود، معلوم نیست این عدم عمل آیا به خاطر اعراض از روایت است یا به خاطر جمع بین این روایت و روایاتی که در دستشان بوده و یا به خاطر این که همان طور که گفتیم، از روایت جعفری حکم طهارت و نجاست فهمیده‌اند نه غسل.

نتیجه

در نتیجه این روایت نمی‌تواند مستند این حکم شود و این تفصیل از مرحوم ابن جنید پذیرفته نیست زیرا دلیلی بر آن وجود ندارد، پس در مساله، فرقی بین گذشت یک سال و عدم آن نیست.

فرع سوم: آیا فرقی بین نوع قطعه از جهت گوشت و استخوان داشتن هست؟

سه نوع قطعه مبان داریم: ۱- گوشت و استخوان باشد ۲- گوشت تنها باشد ۳- استخوان تنها باشد.



اقوال

اکثر اصحاب حکم را به وجود استخوان در میان قطعه مبان، مقید کرده‌اند.^{۲۷} در نتیجه گوشت تنها، این حکم را ندارد.

ادله

دلیل اول: سنت

مرفوعه ایوب بن نوح از امام صادق علیه السلام:

۲۷. شیخ طوسی، *الخلاف*، ج ۱، ص ۷۰۱: مسأله ۴۹۰: من مسّ میتا بعد برده بالموت، و قبل تطهیره بالغسل، وجب علیه الغسل. و كذلك ان مسّ قطعة من میت، أو قطعة قطعت من حی و كان فیها عظم، وجب علیه الغسل. و خالف جمیع الفقهاء فی ذلك. دلیلنا: ما قلناه فی المسألة الاولى من إجماع الفرقة و طريقة الاحتیاط.

محقق کرکی، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، ج ۱، ص ۴۵۹: قوله: (و کذا القطعة ذات العظم منه) أى: من المیت من الناس، و مثله القطعة المبانة من الحیّ مع العظم، لمرسلة أیوب ابن نوح، عن بعض أصحابنا، عن أبی عبد الله علیه السلام، قال: «إذا قطع من الرجل قطعة فهی میتة، فإذا مسّه إنسان، فکلّ ما كان فیها عظم فقد وجب علی من مسّه الغسل، و إن لم یکن فیها عظم فلا غسل علیه» و نقل الشیخ الإجماع علی ذلك، و توقف فی المعبر لضعف الروایة بالإرسال، و عدم تحقق الإجماع و جوابه: أن ضعفها تجبره الشهرة.

شهید اول، *ذکر الشیعة فی أحكام الشریعة*، ج ۲، ص ۹۶: یجب الغسل أيضاً بمسّ قطعة فیها عظم، سواء أبینت من حیّ أو میت، لروایة أیوب بن نوح ... التوقف فی هذه بخصوصیتها لا وجه له، لأنّ الأصحاب منحصرون فی: موجب غسل المیت علی الإطلاق و هم الأكثر، و فی: نافیة علی الإطلاق و هو المرتضی و من أخذ أخذه.

شهید ثانی، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلاتر)*، ج ۱، ص ۳۹۸: و فی حکم المیت جزؤه المشتمل علی عظم و المبان منه من حی.

علامه حلی، *مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة*، ج ۱، ص ۳۱۵: قال ابن الجنید: و یجب الغسل علی من مسّ ما قطع من الإنسان الحیّ من قطعة فیها عظم ما بینه و بین سنة.



«إِذَا قُطِعَ مِنْ الرَّجُلِ قِطْعَةٌ فَهُوَ مَيِّتٌ وَإِذَا مَسَّهُ الرَّجُلُ فُكْلٌ مَا كَانَ فِيهِ عَظْمٌ فَقَدْ وَجَبَ عَلَى مَنْ مَسَّهُ الْغُسْلُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ عَظْمٌ فَلَا غُسْلَ عَلَيْهِ.»^{۲۸}

امام صادق علیه السلام فرمودند: «اگر قطعه‌ای از بدن انسان جدا شود، میت است و در صورت تماس با هر قسمت استخوان‌دار، غسل بر گردن انسان می‌آید، به خلاف قسمتی که استخوان ندارد.»

ظاهر روایت حکم را مقید کرده است به وجود استخوان در میان گوشت.^{۲۹}

بررسی

همان بحثی را که راجع به اصل حکم گفتیم در این جا نیز مطرح می‌کنیم. در نتیجه اگر روایت ضعیف باشد و منجبر نشود، سنت از دست ما گرفته می‌شود و باید سراغ اطلاعات رفت.

دلیل دوم: اطلاعات (شمول لفظ میت)

همانطور که گذشت برخی با استفاده از عنوان میت، حکم را بر قطعه مبان جاری کردند.^{۳۰} در نتیجه اگر اصل حکم قطعه مبان ثابت شد، یا نص بر لحم و عظم است و یا فرد متیقن آن است.

حال آیا گوشت بدون استخوان وجوب غسل دارد؟

روایت آن را نفی کرد و اطلاق میت هم بر آن مشکل است. و اصاله البرائه دلالت دارد بر عدم غسل.

۲۸. کلینی، الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص ۲۱۲، ح ۴

۲۹. سید عبد الاعلی سبزواری، مهذب الأحكام، ج ۳، ص ۳۳۳

۳۰. همان



آیا استخوان تنها این حکم را دارد؟

مرحوم سبزواری می‌گوید که شاید بتوان از روایت نسبت به عظم مجرد استظهار حیثیت تعلیلیه کرد زیرا وجود و عدم حکم را دائر مدار وجود و عدم عظم کرده است. در نتیجه می‌فهمیم معیار در حکم وجود استخوان است، پس عظم مجرد هم همان حکم دارد.

اشکال: خود ایشان سپس اشکال می‌کند که به شرطی می‌توان این حرف را زد که بر استخوان تنها صدق میّت بشود، مانند استخوانی که اجزایش متلاشی شده باشد.^{۳۱} توضیح: یعنی از آن جا که در روایت فرموده است «اذا قطع من الرجل قطعة فهی میته»؛ می‌فهمیم که این قطعه باید عنوان میته داشته باشد و عرف به عظم مجرد میته نمی‌گوید.

نکته

ممکن است این سوال به ذهن خطور کند که آیا عضوی که از انسان مسلمان یا کافر یا حیوان حلال یا حتی حرام گوشت جدا شده و به انسان مسلمانی پیوند زده می‌شود میته به حساب می‌آید یا نه؟ و نیز آیا طاهر است یا نجس؟ در پاسخ باید گفت گرچه این مساله دارای دقائق و ظرائفی همچون بررسی کیفیت حیات در این اجزاء است، اما با توجه به دید عرفی عضو جدید، جزئی از انسان مسلمان به حساب می‌آید و عضوی زنده و دارای حیات است. اگر این عضو میته بود می‌بایست بعد از دست دادن دما و سرد شدن کم کم پوسیده و به خاک تبدیل می‌شد، حال آن که گرم است و رشد و نمو دارد، در نتیجه حیّ بوده و مسّ آن موجب غسل نمی‌شود. و نیز به جهت طهارت و نجاست عضوی از بدن مسلمان به حساب آمده و پاک است.



فهرست منابع

۱. حرّ عاملى، محمد بن حسن بن على، *وسائل الشيعة*، قم، مؤسسه آل البيت (عليه السلام)، ۱۴۰۹ ق.
۲. حلى، علامه حسن بن يوسف بن مطهر اسدى، *مختلف الشيعة فى أحكام الشريعة*، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۱۳ ق.
۳. حلى، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر اسدى، *منتهى المطلب فى تحقيق المذهب*، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۴. حلى، محقق، نجم الدين، جعفر بن حسن، *المعتبر فى شرح المختصر*، قم، مؤسسه سيد الشهداء (عليه السلام)، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.
۵. سبزواری، سيد عبد الأعلى، *مهذب الأحكام فى بيان الحلال والحرام*، قم (دفتر آية الله سبزواری)، مؤسسة المنار، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ ق.
۶. طوسى، ابو جعفر محمد بن حسن، *الخلاف*، شيخ على خراسانى و ديگران، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه، ۱۴۰۷ ق.
۷. طوسى، ابو جعفر محمد بن حسن، *الفهرست*، نجف، المكتبة المرتضوية، [بى تا]
۸. طوسى، ابو جعفر محمد بن حسن، *تهذيب الأحكام*، تهران، دار الكتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۹. طوسى، ابو جعفر محمد بن حسن، *رجال الطوسى*، قم، مؤسسة النشر الإسلامى، ۱۴۱۵ ق.
۱۰. عاملى، شهيد اول، محمد بن مكى، *ذكرى الشيعة فى أحكام الشريعة*، قم، مؤسسه آل البيت (عليه السلام)، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
۱۱. عاملى، شهيد ثانى، زين الدين بن على، *الروضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقية*، قم، مكتبة الداورى، ۱۴۱۰ ق.
۱۲. عاملى، كركى، محقق ثانى، على بن حسين، *جامع المقاصد فى شرح القواعد*، قم،



مؤسسه آل البيت (علیه السلام)، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

۱۳. قمی، شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، **فقیه من لا یحضره الفقیه**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.

۱۴. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، **الکافی**، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.

۱۵. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد ناشر، **مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان**، آقا مجتبی عراقی و دیگران، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ق.

۱۶. النجاشی، أحمد بن علی، **رجال النجاشی**، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، چاپ ششم، ۱۴۰۸ ق.

